بانوان حكومت جهانى

ام ايمن (2)

فاطمه كاووسى

مقدمه

از آنجا كه در زمان غيبت حضرت مهدى(عجل الله تعالى فرجه) يكى از وظايف نهم منتظران, شناخت آن امام همام و هم چنين بررسى زندگى يارن و همراهان ان عزيز مى باشد, نشريه ياس به درج مقاله تحتت عنوان ((يانوان حكوت جهانى)) همت گمارد.

در شماره پيشين به بررسى زندگى ((ام ايمن)) پرداختيم كه در اين شماره نيز ادامه آن را پى مى گيريم.

روايات ام ايمن

1. كودكى پيامبر و ديدار يهوديان از ايشان

2. شركت وى در جنگ ها

3. خريدن جهاز براى فاطمه زهرا(عليهاالسلام)

4. روياى ام ايمن درباره حسين(عليه السلام) پاره تن رسول(صلى الله عليه و آله و سلم)

5. استشهاد حضرت فاطمه(عليهاالسلام) از ام ايمن

6. آشاميدن آب بهشتى

چون فاطمه زهرا(عليهاالسلام) جهان را وداع كرد, ام ايمن نتوانست جاى خالى فاطمه را بنگرد, پس از مدينه بيرون آمد و به جانب مكه روان گرديد, در حالى كه بنا به روايت ابن سعد روزه بود و در آن هواى گرم عطش بر او مستولى شده بود, به حدى كه بيم هلاك مى رفت و به روايت ابن شهر آشوب بر جان خود بترسيد هلاك شود. چشم ها را بر هم گذاشت, و به سمت آسمان چشم گشود و توجهى نمود كه اى خداوند! مرا تشنه مى خواهى با اينكه خادمه دختر پيغمبر تو هستم. در اين هنگام, دلوى از بهشت نازل گرديد و به روايت اصابه, دلوى كه به آن ريسمان سفيدى بسته شده بود, پايين آمد. ام ايمن آن را گرفته, آشاميد و در روايتى است كه ام ايمن گفت: از آن به بعد ديگر تشنگى و گرسنگى نديدم و در روزهاى گرم روزه مى گرفتم, ابدا آثار تشنگى بر من ظاهر نمى گرديد.(1)

7. شاهد وصيت فاطمه(عليهاالسلام)

ام ايمن در هنگام وصيت فاطمه(عليهاالسلام), دختر بزرگوار پيامبر(صلى الله عليه و آله و سلم) نيز حضور يافت; زيرا وقتى بيمارى يگانه دختر پيامبر طول كشيد و او آثار مرگ را در خود احساس كرد, در كتاب هاى تاريخى آمده است كه: ((ارسلت الى ام ايمن و كانت إوثق نسائها عندها و فى نفسها));(2) فاطمه(عليهاالسلام) به سراغ ام ايمن فرستاد; زيرا اين بانوى صالح و صادق مطمئن ترين زنان در نظر فاطمه(عليهاالسلام) بود و بعد با حضور اسمإ دختر عميس وصيت هاى خود را براى على (عليه السلام) بيان كرد.

احاديث ام ايمن

1. ام ايمن مى گويد: رسول خدا(صلى الله عليه و آله و سلم) نسبت به يكى از افراد خانواده خود, چنين سفارش مى كرد: ((اگر تو را با آتش هم بسوزانند, هرگز خيرى را براى خداوند شريك قرار مده. در هر شرايطى از پدر و مادر خود اطاعت كن. هرگز بدون جهت نماز خود را ترك مكن; زيرا كسى كه بى جهت نماز خود را از دست مى دهد, پيوند بندگى خود را با خدا قطع كرده است ! هيچگاه مى گسارى مكن, چون اين آلودگى سر منشا همه تبهكارىها است. هيچ وقت گرد گناه و معصيت مرو; زيرا مورد خشم و غضب خداوند قرار مى گيرى...))(3)

2. حضرت زينب(عليهاالسلام) فرمود: ام ايمن مرا حديث كرد كه روزى پيغمبر(صلى الله عليه و آله و سلم) به منزل فاطمه(عليهاالسلام) تشريف آوردند. حضرت زهرا(عليهاالسلام)براى پدر حريره اى ترتيب داد و حضرت اميرالمومنين(عليه السلام) طبقى از خرما خدمتش نهاد و من قدحى از شير و سرشير حاضر كردم. رسول خدا و على مرتضى و فاطمه زهرا و حسنين از آن خوراكى ها تناول فرمودند. آنگاه على(عليه السلام) آب به دست رسول خدا ريخت. چون پيغمبر از شستن دست فراغت يافت هر دو دست به صورت كشيد و شادمان گرديد و از نظر كردن به صورت اولاد خود مسرور شد. پس از آن روى به آسمان كرد, نگران شد و سپس روى به قبله نمود و هر دو دست به دعا برداشت و بعد سر بر سجده برد و اشك از ديدگانش چون باران جارى بود. اهل بيت و من از اين حال ملول گشتيم و از هيبت و حشمتش نيروى پرسيدن نداشتيم. چون مدتى به طول انجاميد. على و فاطمه عرض كردند: اين گريستن براى چيست؟ فرمود: اى برادر, من از حضور شما و انجمن شما شادمان گشتم. آنگونه كه هرگز چنان خرسند و مسرور نگشته بودم, در اين حال كه شما را مى نگريستم و شكر خدا را مى كردم. جبرئيل فرود آمد و گفت: خداوند بر سرور تو مطلع گرديد و نعمت را بر تو تمام گردانيد و مقرر ساخت كه ايشان و ذريه ايشان و دوستان و شيعيان ايشان با تو در جنان جاويد بمانند و در ميان تو و ايشان جدايى نيفكند و همان تحيت و عطيت يابند كه تو يابى, آن چنان كه خرسند گردى. ليكن بليات و مصائب كثيره ايشان را فرا گيرد و در دنيا به ناملايماتى چند گرفتار گردند. مردمى كه دعوى دين تو كنند و خود را مسلمان شمارند, به آنها اذيت ها نمايند و آزارها برسانند و گمان كنند كه در شمار امت تو باشند; با آنكه خدا و تو از آنها بيزار باشيد و ايشان اهل بيت تو را هر يك در مكانى به ضرب شديد و قتل فجيع درآورند و مقابر ايشان از هم دور باشد و خداى اين مصيبت را بر ايشان اختيار فرمود تا موجب ارتقإ درجات ايشان گردد. پس به آنچه خداى تعالى براى ايشان خواسته, راضى و تسليم و شاكر باش و تن به قضاى الهى بده.

در ادامه حديث, جبرئيل آنچه را كه بر سر على(عليه السلام) و فرزند او, امام حسين(عليه السلام) مىآيد, به پيامبر خدا خبر مى دهد.

حضرت زينب(عليهاالسلام) اين حديث را در قتلگاه بيان فرمود(4).

رحلت ام ايمن

از سراسر زندگى حدود هشتاد ساله ام ايمن, حدود شصت سال آن با پيامبر و خاندان او: سپرى شد و اين بانو, طى اين مدت طولانى كه حتى گاهى رسول خدا براى ديدن او به خانه اش مى رفت, سخن ها شنيد, درس ها آموخت و صحنه ها و وقايعى را مشاهده نمود. سرانجام اين بانوى بهشتى, در سنه 24 هجرى, در حالى كه يك زندگى سراسر هجرت و جهاد و روايت حديث و خدمات فراوان نسبت به اسلام و خاندان پيامبر را پشت سر گذاشته بود, در مدينه از دنيا رفت.(5)

پى نوشت ها

1. رياحين الشريعه, ج 2, ص 332.

2. بحار الانوار, ج 43, ص 204. 3. فيض كاشانى, المهجه البيضإ, ج 4, ص 52.

4. رياحين الشريعه, ج 3, ص 67و68.

5. زنان دانشمند و راوى حديث, به نقل از بهجه الامال, ج 7, ص 563, و الاصابه, ج 4, ص 433. گفتنى است كه در رياحين الشريعه تاريخ رحلت اين بانو را در اول خلافت عثمان در سنه 24 هجرى, گفته است, رياحين الشريعه, ج 2, ص 333. و نيز نگاه كنيد: السيره النبويه, ج 4, ص 642.